

ارتباط با ما۸۴۹۸۴۸۱



لحظاتی ناب از ایثار و فداکاری فرماندهان دفاع مقدس در گزارش «جوان» به مناسبت روز بزرگداشت شهدا

از خودگذشتن به رسم سربازان امام

■ **احمد محمد تبریزی**

اسفند ماه اگر برای مردم حکم آخر سال و رها شدن از دغدغه‌های کار و زندگی را دارد، برای رزمندگان دفاع مقدس یکی از پر مشغله‌ترین روزها بود. اسفند برای مردمان سه دهه پیش نه تنها هیچ فرقی با بقیه ماه‌های سال نداشت، بلکه هر روز آن انتظار اتفاق و حادثه‌ای را می‌کشیدند. از ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ که امام خمینی (ره) فرمان تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی را صادر کردند تا آخرین روزهای دفاع مقدس که هشت سال به درازا کشید، اسفند آبستن حوادث فراوانی بود. از انجام عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز که معمولاً در زمستان شروع می‌شد و مراحل تکمیلی‌اش تا اسفند به طول می‌انجامید، تا شهادت فرماندهان بزرگ دفاع مقدس در این ماه، همه آخرین ماه سال را در تاریخ دفاع مقدس پراهمیت و مهم می‌کند. حالا ۲۲ اسفند در تقویم به نام روز بزرگداشت شهدا شناخته می‌شود. شهدای عظیم‌الشانی که ایثار و فداکاریشان در هر لحظه این آب و خاک جاری است و حق بزرگی بر گردن تک‌تک مردم ایران دارند. به مناسبت این روز عزیز که با نام شهدا متبرک شده است نگاهی به خاطرات ناب از شهدای دفاع مقدس می‌اندازیم که همگی در اسفندماه آسمانی شده‌اند. خاطراتی که حکایت از ایثار و از خودگذشتی آنها دارد.

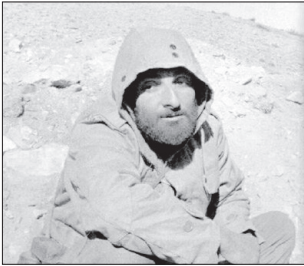


■ **ضدگلوله‌ای به نام هاشم**

هاشم کلهر در جبهه به ضد گلوله معروف شده بود. جوان شجاع شهرری چندین بار در زمان حضورش در جبهه به درجه جانبازی نائل شد. یک بار در جریان عملیات رمضان تر کششی به ماهیچه پای راستش بر خورد کرد و مدتی با عضا راه می‌رفت تا دوباره به شرایط عادی بر گشت. بار دیگر در عملیات مسلم بن عقیل مجروح شد و بار سوم توسط تک تیرانداز دشمن از ناحیه صورت مورد اصابت تیر قرار گرفت که حدود ۱۴ دندانش به شدت آسیب جدی دید. دندان‌هایش در همان لحظه می‌یزد و همسان طوری که خودش می‌گفت مقداری را همراه خون بیرون ریخته و مقداری را هم قورت داده بود.

اوج شجاعت در حماسه‌آفرینی شهید کلهر در عملیات والفجر یک اتفاق می‌افتد. در فروردین سال ۶۲ بنا به دستور شهید همت برای تشکیل گردان‌های دیگر، تعدادی از نیروها به گردان مالک رفتند و هاشم هم همراه شهید کارور، حاج امینی و نصرت اکبری به گردان مالک رفتند. در آنجا به علت بی احتیاطی و ناشی بودن یک نیروی بسیجی در استفاده از نارنجک، هاشم به موقع خود را می‌رساند و با درآغوش گرفتن نارنجک به شدت مجروح می‌شود. بر اثر این حادثه دست راست هاشم کلهر از میج قطع می‌شود و دست چپش هم فقط دو انگشت پیروزی می‌ماند. با این فداکاری هاشم که در جمع نیروهای گردان بود فقط یک ترکش

به صورت پیک به هاشم اصابت کرد و بقیه ترکش‌ها را هاشم با دست و بدنش مهار می‌کند و حدود سه ماه در بیمارستان و منزل بستری می‌شود. شهید کلهر بعد از سخنرانی حاج همت برای گردان مقدار، در منطقه جفیر با بمباران هواپیماهای عراقی به شهادت می‌رسد. با اصابت یک راکت در نزدیکی هاشم و دوستانش مثل شهید ابراهیم حسامی، شهید حسین محمدی و رضا هاشمی همگی شهید اسفند ماهی می‌شوند.



■ **سرداری که رفتگر شد**

نگاه به سیره و سبک زندگی و رفتاری شهدا برای مسئولان می‌تواند بسیار راهگشا و آموزنده باشد. شهید مهدی باکری از فرماندهان بزرگ و بنام دفاع مقدس است که شرح لطف، محبت و جانفشانی‌هایش برای نیروهایش در جبهه زیانزد بود؛ مردی خدایی با چهره‌ای آرام و آسمانی. گاهی بیشتر از نیروهایش در منطقه کار می‌کرد و اگر غریبه‌ای چهره خاک‌آلودش را می‌دید گمان نمی‌کرد او فرمانده تیپ باشد. مهدی باکری شهردار ارومیه شده بود و شیوه مدیریت، اخلاق مداری و زیست سالمش زیانزد همگان بود. نکات مثبت و خواندنی زیادی در مدت زمان کوتاهی که شهید باکری شهردار بود وجود دارد. مثل زمانی که همسر رفتگر محله، مریض می‌شود ولی به او مرخصی نمی‌داندند و می‌گفتند، اگر شما بروی، نفر جایگزین نداریم. این کارمند شهرداری نزد شهردار می‌رود و درخواستش را مطرح می‌کند. اینجا اقا مهدی تصمیمی شگفت‌انگیز می‌گیرد. به رفتگر مرخصی می‌دهد و برای خالی نبودن جایش خودش

جای او برای نظافت کوچه‌ها می‌رود! با یک روایت خیلی عجیب از نحوه استسخدام یکی از کارمندان شهرداری ارومیه. یکی از کارمندان شهرداری ارومیه ماجرای استخدامش را اینگونه شرح می‌دهد: «تازه از ادواج کرده بودم و با مدرک دیپلم دنبال کار می‌گشتم. از پله‌های شهرداری می‌رفتم بالا که یکی از کارکنان شهرداری را دیدم و از او پرسیدم آیا اینجا برای من کار هست؟ تازه از ادواج کردم و دیپلم دارم. یک کاغذ از جیبش



■ **حسین خرازی به روایت مر ترضی آوینی**
زمانی که دست راست سردار شهید حسین خرازی در جریان عملیات خیبر قطع شد، وقتی ایشان را به بیمارستان انتقال دادند، می‌خندید و می‌گفت: «دستم قطع شده، سرم که قطع نشده.» نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین(ع) فرمانده با روحیه و مخلصشان را مثل یکی از اعضای خانواده‌شان دوست داشتند. بدون هیچ چون و چرایی فرمانش را اجرا می‌کردند و حاضر بودند جانشان را برای فرمانده‌شان فدا کنند. فرمانده هم برای نیروهایش کم نمی‌گذاشت. در سخت‌ترین شرایط پا به پای نیروهایش می‌جنگید و برادری را در حششان تمام می‌کرد. شهید خرازی دو روز قبل از شهادتش می‌گفت: «خودم را برای شهید شدن کاملاً آماده کرده‌ام.» او که روحی متلاطم، از عشق خدمت به سربازان اسلام داشت وقتی متوجه شد ماشین غذای رزمندگان خط مقدم در بین راه مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفته است به شدت ناراحت شد و با بیسیم از مسئولان تدارکات خواست تا هر چه زودتر، ماشین دیگری بفرستند و نتیجه را به او اطلاع دهند. پس از گذشت چند ساعتی ماشین جلوی سنگر ایستاد و حاج حسین در حالی که دشمن منطقه را گلوله باران می‌کرد برای بررسی وضعیت ماشین از سنگر خارج شد. یکی از تخریبچی‌ها در حال ماصافه با او می‌خواست پیشانی‌اش را ببوسد که ناگهان قاصت چون سرو حسین بر زمین افتاد. یکی از شاهدان می‌گوید: اصلاً باورم نمی‌شد. حتی متوجه خمپاره‌ای که آنجا در کنارمان به زمین خورده، نشدم. بلافاصله سر را بلند کردم. ترکش‌های موثر و درشتی به سر و گردن خرازی اصابت کرده‌بود. هشتم اسفند سال ۱۳۶۵ بود و



■ **سبک مدیریت یک مرد آسمانی**
پس از شهادت حاج ابراهیم همت در عملیات خیبر، شهید عباس کریمی به فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله منصوب شد. فرمانده‌ای شجاع که خیلی در قید و بند عنوان و درجه و سلسله مراتب اداری نبود. به وقت نیاز در صحنه حاضر می‌شد و تا آخرین قوا مسئولیت‌هایش را به بهترین شکل انجام می‌داد. با بسیجی‌ها مانوس و صمیمی بود و به آنها عشق می‌ورزید. در کنار آنها روی خاک می‌نشست، با آنها غذا می‌خورد، به درد دل آنها گوش می‌داد، آنها را راهنمایی می‌کرد و تا آنجا که از دستش برمی‌آمد مشکلاتشان را حل و فصل می‌کرد و ارتباط و سرکشی از خانواده‌ها پیدا می‌کرد تا راحت‌تر شد و با بیسیم از مسئولان جملاتی را داخل سر رسید شخصی‌اش نوشته بود که کدهای خوبی را جهت مدیریت و داشتن یک زندگی در ست می‌دهد: «خصوصیات یک فرمانده به این شرح است: سلامتی جسم و فزونی علم، مشورت با نیروها، سعه صدر و نداشتن حس انتقام، برخورد با افراد تحت فرماندهی از راه ارشاد و معطره، در کنار همه تانک‌یک‌ها از همه مهم‌تر، فاصله گرفتن از خدایت، فرمانده‌ای که ابتکار عمل نداشته باشد، تسلیم است. ابتکار عمل، سلاح برنده مومن است.»

شهید کریمی در روز ۲۴ اسفندماه ۱۳۶۳ طی عملیات بدر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به فیض شهادت نائل آمد.

گزارش

انقلاب اسلامی هر یک ساعت و نیم

یک شهید داده است

■ **علیرضا محمدی**

۲۲ اسفندماه به عنوان روز بزرگداشت شهید نامگذاری شده است. «شهید» این واژه آشنا در تاریخ معاصر و فرهنگ رایج کشورمان، هیچ‌گاه در طول تاریخ به این میزان پرکاربرد نبوده است. اگر چه تشیع در گذر زمان همواره از خون شهدا، سرخ و رنگین است، اما اتفاقی مثل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس لازم بود. تا شهید و فرهنگ ایثار و شهادت را جانی دوباره بخشد. به گزارش «جوان» انقلاب اسلامی ایران تجدیدکننده عاشورای حسینی بود. از همان ابتدا تا کنون، هیچ روزی از نهضت اسلامی را نخواهیم یافت که به نام شهید یا ماجرای سرخ شناخته نشود. از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گرفته تا مبارزات انقلابی سال ۵۶ و ۵۷، دفاع مقدس و... همگی به سرخی خون شهدا مزین هستند. در مبارزات انقلابی مردم ایران «شهید» خیلی زود جایگاه خود را به دست آورد. طبق آمارهای رسمی، شهیدای پیش از پیروزی انقلاب حدود ۳هزار و ۱۶۴ نفر هستند. این تعداد بین سال‌های ۱۳۴۲ تا پنهم ماه ۱۳۵۷ به شهادت رسیده‌اند. عمده آنها نیز مربوط به شهرهای بزرگی چون تهران ، مشهد و اصفهان هستند، اما



و اجتماعی تحت تأثیر دوران سازندگی و اصلاحات قرار گرفت. اما وقایعی چون دفاع از حرم و حملات تروریستی که هزار گاهی دامن ملت ایران را گرفته و می‌گیرد، هیچ‌گاه عرصه فکری جامعه را از حضور واژه شهید خالی نکرده است. طبق آمارهای متناقضی که از شهدای دفاع از حرم منتشر می‌شود، در این برهه چیزی بیش از ۲ هزار رزمنده به شهادت رسیدند. با احتساب حدود ۱۷ هزار شهید ترور و حوادثی چون واقعه منا، اکنون انقلاب اسلامی با کمی بیش از ۲۳۰ هزار شهید روبه‌راست.

اگر ۳ هزار شهید قبل از پیروزی انقلاب را با ایامی که پیش از پیروزی نهضت اسلامی گذشت‌اند کنار بگذاریم، از ۳۹ سال پیش تا کنون چیزی حدود ۱۴ هزار و ۲۵۰ روز از عمر انقلاب گذشته است و اگر این عدد را به ۲۳۰ هزار شهید تقسیم کنیم، هر روز ۱۶ نفر در تاریخ انقلاب اسلامی به شهادت رسیده‌اند؛ یعنی هر یک ساعت و نیم یک ایرانی شهید شده است. با نگاهی به این آمارهای شگفت‌انگیز بهتر می‌توانیم معنی واژه شهید را درباییم. (برخی از آمارهای که در این گزارش آورده شده‌اند، به صورت تقریبی هستند.)

حدود ۲۱۰ هزار شهید در دوران دفاع مقدس، به خوبی به مردم ایران نشان داد که شهید دیگر نه داستانی در واقعه عاشورا که تبدیل به واقعیتی عینی شده است. مردم ایران حتی در دور افتاده‌ترین روستاها نیز شاهد تشییع پیکر شهدا بودند

چون فرهنگ شیعی ایران متأثر از عاشورای حسینی بود، خیلی زود شهید و شهادت در ادبیات عامه و فرهنگ رایج کل ملت ایران جایگاه شایسته‌ای پیدا کرد.

تکرار واژه شهید در وقایع خونین بعد از پیروزی انقلاب، فکسر و ذهن مردم ایران را با این تعبیر مقدس بیشتر آشنا ساخت. خصوصاً بعد از شروع جنگ تحمیلی که تعداد شهدا افزایش چشمگیری یافتند، ادبیات نیز به تشریح و رفع وضع موجود پرداخت و مقوله ایثار و شهادت بار دیگر صاحب شعر، ادبیات و داستان شد.

یک نمونه از اشعاری که در دفاع مقدس در

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹طروری قرار دهید که

در هر ردیف،ستون ومربع های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۳۳۲

				۶				۱
				۴	۵	۳		
				۳		۶		۴
				۴	۷	۶		
				۲				۳
								۹
				۳		۶		
						۵		۷
								۲
						۱		

۸	۱	۷	۵	۸	۶	۸	۶	۸
۸	۵	۸	۱	۷	۶	۵	۷	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۷	۵	۱	۵
۵	۸	۶	۷	۱	۷	۵	۸	۵
۷	۵	۸	۶	۵	۸	۱	۵	۷
۷	۸	۱	۵	۸	۶	۵	۷	۵
۵	۷	۵	۸	۱	۵	۸	۶	۷
۷	۵	۸	۶	۵	۸	۱	۷	۸
۸	۶	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۸	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۶
۵	۶	۷	۸	۱	۷	۵	۱	۵
۵	۸	۶	۷	۱	۷	۵	۸	۵
۷	۵	۸	۶	۵	۸	۱	۵	۷
۷	۸	۱	۵	۸	۶	۵	۷	۵
۵	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۵

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۳۳۳

۱- صور تحسب- پر آب ترین رود امریکا ۲- درخت انداز- زادگاه حضرت ابراهیم- خوردنی درناک- جد ۳- علامت پیروزی- شکایت‌نامه- صندلی راحتی- عدد رمزی ۴- شر- هنر رنگی- جیوه ۵- چوب خوشبو- نماز یک رکعتی- زینت مساجد- کنف ۶- خروس مازنی- کشور عجایب- پرتگاه کوهستانی- اجازه ۷- قیمت بازاری- مهاجم سابق تیم ملی فرانسه و آرسنال- وسیله‌ای در بنایی ۸- گل عصبانی- خورشید- مخلص و بی‌ریا ۹- نمایشنامه غم‌انگیز و خنده‌دار- پرنده صلح- حرف صریح ۱۰- خالص- رود جیحون- گاو تبتی- برگ‌راندنده فضای بد ۱۱- نوعی زغال سنگ- خودروی ایتالیایی- یک حرف و سه حرف- بازی محلی ۱۲- ماه خارج- مسکوک نقره- راه‌نما ۱۳- آبکی- پرش عصی- سرزمین دانوب آبی- ریشه ۱۴- متر انگشتی- حیا- حرف- بوسه ۱۵- وزیر نفت شهید جمهوری اسلامی- خوردن غذایی مختصر برای رفع گرسنگی

از راست به چپ

۱- صور تحسب- پر آب ترین رود امریکا ۲- درخت انداز- زادگاه حضرت ابراهیم- خوردنی درناک- جد ۳- علامت پیروزی- شکایت‌نامه- صندلی راحتی- عدد رمزی ۴- شر- هنر رنگی- جیوه ۵- چوب خوشبو- نماز یک رکعتی- زینت مساجد- کنف ۶- خروس مازنی- کشور عجایب- پرتگاه کوهستانی- اجازه ۷- قیمت بازاری- مهاجم سابق تیم ملی فرانسه و آرسنال- وسیله‌ای در بنایی ۸- گل عصبانی- خورشید- مخلص و بی‌ریا ۹- نمایشنامه غم‌انگیز و خنده‌دار- پرنده صلح- حرف صریح ۱۰- خالص- رود جیحون- گاو تبتی- برگ‌راندنده فضای بد ۱۱- نوعی زغال سنگ- خودروی ایتالیایی- یک حرف و سه حرف- بازی محلی ۱۲- ماه خارج- مسکوک نقره- راه‌نما ۱۳- آبکی- پرش عصی- سرزمین دانوب آبی- ریشه ۱۴- متر انگشتی- حیا- حرف- بوسه ۱۵- وزیر نفت شهید جمهوری اسلامی- خوردن غذایی مختصر برای رفع گرسنگی

از بالا به پایین

۱- عمل غذاسازی گیاه- اثر سرواتنس، نویسنده اسپانیایی ۲- رنگ دریا- سرای مهر- درخت مسواک- گل و لای ته حوض ۳- ناشنوا- حرکتی در ژیمناستیک- بهتر از بدتر ۴- شود سبب خبر اگر خدا بخواهد- سنگی شبیه عقیق- خاموش کننده شمع ۵- تنوع و گوناگونی- کنگر رنگی ۶- فلز چهره- نام دکارت- افغا- وزیر خارجه سابق امریکا ۷- ثامن‌الامنه- کمد داخل خودرو- ماه ناتمام! ۸- شکل استوانه‌ای- رشد چین و شکن ۹- عدد اول- سلامتی- نام هوملس، بازیکن ملی آلمان ۱۰- جور- جواب مثبت- قوچ- لباس ۱۱- تانگهان و یکسره- هیئت دولت ۱۲- قسمت تیز کارد- سلاح روبا- پیکان ۱۳- پول زایل- شناسنامه کالا- سه کیلو ۱۴- قاصد- دایی- ارجمندی- از انرژی‌های موجود در طبیعت ۱۵- مراسم بزرگ‌گداشت- بزرگ‌ترین نقاش تاریخ